

بسمه تعالی

ریاست و مستشاران محترم شعبه دادگاه تجدیدنظر

موضوع: لایحه دفاعیه شماره بایگانی

با سلام و تقدیم احترام، در دفاع از حقوق موکل و در جهت تأیید و ابرام دادنامه موضوع تجدیدنظر خواسته، بدواً لازم می‌داند شرحی از ماقوع و متعاقباً دلایل خود را به استحضار آن مقامات عالی برساند:

بخش نخست - شرح ماقوع

موکل در تاریخ با مراجعه به نمایشگاه برادران زمانی اقدام به خرید شش دانگ یکدستگاه کامیون نموده و از کل مبلغ ثمن معامله که عمده آن بصورت نقدی پرداخت شده، معادل ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بطور اقساط و با صدور ۱۵ فقره چک (جمعاً معادل ۸۰/۰۰/۰۰۰ تومان) توسط موکل تعهد می‌گردد، متأسفانه، هفت فقره از چکها در سررسید برگشت می‌شود (جمعاً به مبلغ ۳۵۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال) که در آن مقطع زمانی علیه موکل اقدام قضایی صورت گرفته و نتیجتاً تمامی چکها بعد از اخذ یک فقره چک به مبلغ ۴۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به شماره عهده بانک - چک موضوع دعوی) به موکل مسترد می‌گردد و چک موصوف در ید نامبردگان بابت تضمین بدهی اینجانب باقی می‌ماند.

لازم به توضیح اینکه همزمان با صدور ۱۵ فقره چک بابت الباقی ثمن، دو دانگ کامیون نیز به آقای خوانده ردیف دوم منتقل میگردد.

موکل که با شرایط به وجود آمده مالک چهار دانگ کامیون موضوع مبیعنامه مورخ بوده است به دنبال فشارهای محکوم علیه در تاریخ اقدام به فروش سه دانگ دیگر از خودرو به آقای نموده و در آن مقطع بابت تضمین تنظیم سند (که فی الواقع خود مکلف به تنظیم سند شش دانگ آن بنام موکل بوده اند) یک فقره چک دیگر به مبلغ ۱/۳۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال به شماره عهده بانک ملت (معادل کل ثمن معامله اخیر - سه دانگ) از موکل اخذ می‌نمایند، تحمیل فشارهای مالی به موکل با ارائه چک اخیر الذکر به بانک مزید علت است تا موکل جهت فروش الباقی سهم خود، خودرو را تحویل نمایشگاه برادران زمانی دهد.

درمورخ شش دانگ کامیون فوق الذکر از سوی نامبردگان و موکل به آقای به مبلغ ۲/۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منتقل می‌گردد و از این بابت علی‌رغم اخذ کل مبلغ ثمن معامله هیچگونه پرداختی به موکل صورت نمی‌پذیرد.

بدین صورت است که دعوی حقوقی علیه آقایان آغاز می گردد.

در ابتدا دادخواستی با خواسته مطالبه قدرالسهم حاصل از فروش شش دانگ کامیون موضوع اختلاف و ابطال مبایعه نامه تحت شماره بایگانی به شعبه دادگاه عمومی حقوقی تقدیم می گردد که آن دادگاه محترم با ملاک عمل قرارداد کارشناسی های عدیده صورت گرفته حکم به محکومیت نامبردگان به پرداخت قدرالسهم حاصل از فروش شش دانگ و ابطال مبایعه نامه موصوف صادر می نماید.

محکوم علیهم در مقام تجدیدنظرخواهی و اثبات معامله موضوع ابطال (صوری نبودن و پرداخت ثمن به موکل) به وجود چک موضوع این دعوی در ید خود و تهاتر مبلغ این چک با ثمن معامله استناد نموده و دادگاه محترم تجدیدنظر به همین دلیل حکم به نقض آن بخش از دادنامه بدوی صادر و دادنامه را نسبت محکومیت نامبردگان به پرداخت قدرالسهم قدرالسهم حاصل از فروش به محکوم می نماید. (فتوکپی دادنامه ها به پیوست است)

در چنین شرایطی محکوم علیهم چک موضوع این دعوی را در ادامه تزییع حقوق موکل به تجدیدنظرخواه انتقال داده تا ایشان بلافاصله بعد از واریز مبلغ محکوم به مبلغ چک را نزد ثالث (اجرای احکام) توقیف نماید که متأسفانه این مهم نیز صورت گرفته و محکوم به آن پرونده معادل وجه چک نزد اجرای احکام توقیف می گردد.

در این میان لازم به توضیح است که دادخواست استرداد لاشه چک هایی که به ناروا در تصرف نمایشگاه داران بوده است تقدیم گردیده (قبل از برگشت چک توسط تجدیدنظرخواه) و تا اینکه همان شعبه دادگاه عمومی حقوقی طی دادنامه صادره حکم به استرداد چک ها (یکی از چک ها همین موضوع دعوی است) صادر می نماید.

بعد از اطلاع موکل از اقدامات صورت گرفته از سوی آقایان و تجدیدنظرخواه بلافاصله واخواهی و جلب ثالث (ضمن واخواهی) صورت می گیرد که بعد از چندین جلسه رسیدگی نسبت به موضوع جلب ثالث و واخواهی نهایتاً دادنامه تجدیدنظرخواسته صادر می گردد و که در جهت تأیید و ابرام آن ذیلاً دلایلی را به سمع نظر آن مقامات عالی می رساند:

۱- همانطور که اشاره گردید در جلسه رسیدگی با موضوع جلب ثالث، مجلوبین صراحتاً به رابطه خادم و مخدومی تجدیدنظرخواه با ایشان اذعان نموده و حتی وکیل تجدیدنظرخواه نیز که در

جلسه رسیدگی حاضر بود این موضوع را تأیید می نماید بدین ترتیب دادگاه محترم بدوی با رد دادخواست جلب ثالث و اخوانده را محکوم به بی حقی می نماید.

۲- چنانچه آن دادگاه محترم در دادخواست بدوی تجدیدنظرخواه مذاقه لازم را مبذول فرمایند ملاحظه می گردد که ایشان از همان بدو امر با سوء نیت و پنهان کاری وارد شده است چرا که آدرس کارفرمای خود را بعنوان آدرس موکل اعلام نموده و تمامی اوراق به ایشان ابلاغ گردیده است.

۳- همانطور که به درستی در دادنامه موضوع تجدیدنظرخواسته مورد اشاره قرار گرفته است، ایشان بر خلاف عرف در معاملات هیچگونه امضایی در ظهر چک از برادران زمانی نگرفته و بدین ترتیب ایشان را طرف دعوی قرار نداده است چرا که ایشان با محکومین دادنامه استرداد لاشه چک ها همکار و خادم همان نمایشگاه می باشد.

۴- دلیل دیگر اینکه برادران زمانی بلافاصله بعد از صدور حکم به استرداد چک را به ایشان انتقال تا ایشان نیز سریعاً مبلغ محکوم به را نزد اجرای احکام توقیف نمایند.

۵- همانطور که اشاره گردید تجدیدنظرخواه علیرغم ابلاغ و اخطار به وکیل ایشان مبنی بر حاضر نمودن ایشان در جلسه رسیدگی حاضر نشده و حتی وکیل ایشان به رابطه خادم و مخدومین موکل خود با آقایان اذعان و حتی شفاهاً عدم استحقاق موکل خود را نسبت به چک تأیید می نماید (بطور تلویحی نیز در بخش سادساً دادنامه مورد اشاره قرار گرفته است).

علیهذا بنابه مراتب فوق الذکر از محضر آن دادگاه عالی عاجزانه خواهشمند است با تأیید و ابرام دادنامه موضوع تجدیدنظرخواسته از تضييع هرچه بیشتر حقوق موکل (همانطور که ملاحظه می فرمائید سالهاست درگیر دعاوی مختلف می باشد) جلوگیری فرمایید.

باتجدید احترام - رضا شریفی اردانی